

با دفاع از آزادی فعالان جنبش های اجتماعی، فریاد مق طلبانه مردم را رسا تر کنیم

طی ماه های اخیر، همزمان با فشار های بین المللی و تهدید به حمله نظامی، در داخل کشور نیز سرکوب و خفقان دامنه گسترده تری یافته است. در سطح بین المللی، ماجراجویی های اتمی رژیم و سیاست های تنش زای دولت احمدی نژاد و به ویژه سخنرانی های وی در مجامع بین المللی، بیش از پیش جمهوری اسلامی را در انزوا قرار داده و دست دولت آمریکا و متحدان اروپائیش را در تهدید مستقیم کشور ما به تهاجم نظامی بازتر گذاشته است. از سوی دیگر، تشدید تنش در سطح بین المللی، انعکاس خود را در تشدید اختناق در ایران آشکار ساخته است.

طی ماه گذشته سیاست سرکوب و بگیروبیند حکومت به طرز چشمگیری افزایش یافته است. منصور اسانلو و ابراهیم مددی رئیس و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به ترتیب به ۵ و ۲ سال حبس محکوم شده اند، محمود صالحی، فعال کارگری اهل سقز، بیش از ۶ ماه است که علیرغم بیماری شدید، همچنان در زندان به سر می برد. یکی دیگر از فعالان کارگری در شهر سنندج مورد سوء قصد قرار گرفته است. نماینده کارگران هفت تپه در روز روشن ربوده شده است. دادگاه جزایی شهر سقز پنج فعال کارگری این شهر را به تحمل ۹۱ روز حبس و ۴۰ ضربه شلاق، با سه سال تعلیق، محکوم کرده است.

ده ها نفر از فعالان جنبش زنان تحت پیگرد دائمی دستگاه سرکوب حکومتی قرار دارند. تعدادی از آنها با اتهاماتی واهی محاکمه و به سال ها زندان محکوم شده اند. قرار محاکمه هفت تن از آنان به اتهام جمع آوری امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز و شرکت در تظاهرات ایستاده در برابر دادگستری تهران صادر شده است. کارگاه آموزش حقوق زن در خرم آباد، روز ۲۵ شهریور با حمله پلیس و ضرب و شتم و بازداشت شرکت کنندگان و اعضای کمپین یک میلیون امضا، تعطیل شد. ۲۵ شرکت کننده در این کارگاه، تا نیمی از شب در بازداشت بودند. دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بعد از ماه ها شکنجه و آزار و اذیت در زندان، بدون ارائه هیچ دلیلی برای بازداشت شان، به دو تا سه سال زندان محکوم شده اند. صدها دانشجوی دیگر در سراسر کشور از طرف نهادهای سرکوب دولتی به محرومیت از تحصیل و بازداشت و زندان تهدید شده اند.

پس از دستگیری هزار نفر از معلمان در اسفندماه سال ۸۵، دستگیری ها همچنان ادامه دارد و در ماه های اخیر بسیاری از معلمان معترض با احکامی مانند اخراج، بازنشستگی، انفصال از خدمت، تبعید و زندان توسط هیأت های تخلفات اداری مواجه شده اند. با صدور حکم زندان برای دو معلم دیگر، شمار معلمانی که به اتهام فعالیت صنفی و شرکت در تجمعات اعتراضی سال گذشته فرهنگیان به زندان محکوم شده اند، به ۷ تن رسیده است. در تازه ترین مورد، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران محمدرضا رضایی گرکانی و رسول بدایقی دو تن از معلمان را به حبس های ۲ و ۳ ساله محکوم کرده است.

نهادهای و مقامات حکومتی، علاوه بر منع مدیران رسانه ها از درج و انتشار تحلیل ها و نظرات متفاوت از موضع رسمی حاکمیت در خصوص مهم ترین موضوعات کشور که به سرنوشت همه مردم ایران مربوط است، از آنان می خواهند تا از انتشار اخبار مربوط به بازداشت و بازجویی فعالان سیاسی، فرهنگی، دانشجویی، کارگری، زنان و حرکت های ملی، خودداری کنند.

زمانی که خامنه ای در سخنرانی در جمع اعضای مجلس خبرگان خود، شدیداً به رسانه ها حمله کرد و برخی از رسانه های داخلی را «بد اخلاق» توصیف و به «همراهی با تبلیغات دشمنان» متهم کرد، در واقع باردیگر رسماً دستور حمله به روزنامه ها و روزنامه نگاران را صادر کرد. گزارشگران بدون مرز با اشاره به زندانی بودن ۱۱ روزنامه نگار در ایران، کشور ما را بزرگترین زندان روزنامه نگاران در خاورمیانه اعلام کرده اند.

موسسات معتبر انتشاراتی رسماً به تعطیلی کشانده می شوند و کافه کتاب های تهران همگی بدون ارائه هیچ دلیلی تخلیه و پلمب شده اند. چاپ کتاب با سد عبور ناپذیر ممیزی مواجه است. مطبوعات و پایگاه های اینترنتی را سانسور و تعطیل می کنند. یعقوب یادعلی، داستان نویس، صرفاً به جرم نوشتن یک داستان، به یک سال زندان محکوم شده است.

دو نفر از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در سنندج اعدام شده اند. هم چنین، اجرای احکام اعدام در مورد متهمین به بمب گذاری های سال گذشته در اهواز هم چنان ادامه دارد. بیش از ۹ ماه از بازداشت و دستگیری عدنان حسن پور روزنامه نگار و هیوا بوتیمار فعال مدنی می گذرد و در دو هفته گذشته، حکم اعدام عدنان حسن پور صادر و از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده است.

ده ها نفر در سراسر کشور تحت عنوان «اراندل و اوباش» به دار آویخته شده اند. سنگسار و قطع دست و دیگر احکام غیرانسانی، در ماه های اخیر علنی تر به اجرا گذاشته شده است. به رغم انتقادهای گسترده از افزایش اعدام ها در ایران، روز چهارشنبه چهارم شهریور ماه، تلویزیون دولتی از اعدام ۲۱ نفر از محکومین به قاچاق مواد مخدر در استان های خراسان رضوی و فارس خبر داد. براساس این گزارش، ۱۷ نفر از افراد اعدام شده در استان خراسان رضوی و چهار نفر دیگر در استان فارس به دار آویخته شدند.

روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر و فعالان سیاسی آذربایجان در ماه های گذشته با فشارهای بیشتری روبرو شده اند. افزایش شدید شکنجه زندانیان، تهدید خانواده ها، حبس های چند ماهه بدون محاکمه و تفهیم اتهام و بدون وکیل، به ویژه از اردیبهشت ماه امسال، از مهمترین مسائل نگران کننده است.

افزایش سرکوب و مسدود نمودن مجاری تنفس آزاد مردم، قبل از هر چیز نشان از موقعیت متزلزل حکومت در کل و تشدید بحران درونی رژیم دارد.

انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری که با توسل به تقلب و اعمال نفوذ سپاه و بسیج و وعده های انتخاباتی همراه بود، اگرچه به یک دست کردن نسبی حکومت جمهوری اسلامی انجامید، ولی ناتوانی دولت احمدی نژاد در اداره جامعه و پاسخگویی به معضلات اجتماعی و خواسته های مردم را آشکارتر ساخت. بیکاری بیش از پیش افزایش یافته است. گرانی، فحشا، اعتیاد و بزهکاری های اجتماعی رواج بی سابقه یافته است. همه این تحولات، بحران اقتصادی - اجتماعی را حادتر کرده است. این در حالی است که در دوره حکومت دولت احمدی نژاد قیمت نفت در بازار جهانی افزایش سرسام آور داشته و تقریباً به دوبرابر قیمت آغاز حکومت وی رسیده است. اما دولت علیرغم افزایش درآمد نفت، نه تنها نتوانسته گرهی از مشکلات مردم بگشاید، که با چنگ اندازی بر صندوق ذخیره ارزی و حیف و میل آن، عملاً گوی سبقت را در فساد، ارتشاء و بی لیاقتی، از تمامی دولت های قبلی جمهوری اسلامی ربوده است

این وضعیت بحرانی نه تنها به نارضایتی وسیع مردم دامن زده، بلکه اختلافات درون جناح های حکومتی را تشدید کرده و رقبای درونی که عملاً از دایره قدرت به کناری نهاده شده اند را به تکاپو درمقابل <

اعلامیه مشترک

صدور احکام سنگین زندان، گسترش دامنه ترور، تهدید و سانسور دولتی را محکوم می‌کنیم

منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و ابراهیم مددی نایب رئیس این سندیکا، به خاطر فعالیت‌های خود در دفاع از حقوق کارگران شرکت واحد، به ترتیب به ۵ و ۲ سال حبس محکوم شده‌اند. این حکم به شکل شفاهی، در زندان به آنها اعلام شده است.

محمود صالحی، فعال کارگری اهل سقز، به جرم شرکت در جشن روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بیش از ۶ ماه است که علیرغم بیماری شدید، هم چنان در زندان به سر می‌برد. یکی دیگر از فعالان کارگری در شهر سنندج، مورد سوء قصد قرار گرفته است. نماینده کارگران هفت تپه در روز روشن ربوده شده است.

ده‌ها نفر از فعالان جنبش زنان تحت پیگرد دائمی دستگاه سرکوب حکومتی قرار دارند. تعدادی از آنها با اتهاماتی واهی محاکمه و به سال‌ها زندان محکوم شده‌اند. قرار محاکمه هفت تن از آنان به اتهام جمع‌آوری امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز و شرکت در تظاهرات ایستاده در برابر دادگستری تهران صادر شده است.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بعد از ماه‌ها شکنجه و آزار وادیت در زندان، بدون ارائه هیچ دلیلی برای بازداشت‌شان، به دو تا سه سال زندان محکوم شده‌اند. صدها دانشجوی دیگر در سراسر کشور از طرف نهادهای سرکوب دولتی به محرومیت از تحصیل و بازداشت و زندان تهدید شده‌اند.

موسسات معتبر انتشاراتی رسماً به تعطیلی کشانده می‌شوند و کافه کتاب‌های تهران همگی بدون ارائه هیچ دلیلی تهدید به تخلیه و پلمب شده‌اند. یعقوب یادعلی، داستان نویس، صرفاً به جرم نوشتن یک داستان، به یک سال زندان محکوم شده است.

دو نفر از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در سنندج اعدام شده‌اند. هم چنین، اجرای احکام اعدام در مورد متهمین به بمب گذاری‌های سال گذشته در اهواز هم چنان ادامه دارد.

ده‌ها نفر در سراسر کشور تحت عنوان «اراذل و اوپاش» به دار آویخته شده‌اند. سنگسار و قطع دست و دیگر احکام غیرانسانی، در ماه‌های اخیر علنی‌تر به اجرا گذاشته شده است.

رژیم جمهوری اسلامی چهره سرکوبگر و ضد انسانی خود را اینک با وضوح و شدت بیشتر، به نمایش گذاشته است.

ما صدور محکومیت‌های سنگین علیه منصور اسانلو، ابراهیم مددی و دیگر فعالان جنبش‌های اجتماعی را محکوم می‌کنیم. خواستار پایان دادن به جو اعدام و ترور و حشت، و بازداشت و شکنجه در جامعه هستیم.

ما احزاب و سازمان‌های سیاسی، نهادها و تشکل‌های دموکراتیک و دیگر نیروهای آزادیخواه و مترقی کشورمان را فرا می‌خوانیم تا با سازمان دادن مقاومت علیه گسترش دامنه سرکوب و برای درهم شکستن یورش ددمنشانه حکومت جمهوری اسلامی به حقوق و آزادی‌های مردم ایران و محو پایمال نمودن حقوق کارگران، زحمتکشان، زنان، دانشجویان، نویسندگان، روشنفکران و مبارزان جنبش‌های ملی ایران، صفوف خود را فشرده کنند.

حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران.
۸ آبان ۱۳۸۶ - ۳۰ اکتبر ۲۰۰۷

این وضعیت واداشته است و اینجا و آنجا به نقد دولت احمدی نژاد نشستند. به‌ویژه آن که، زمان انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی نزدیک است. اما این دولت که توان تحمل هیچ صدای مخالفی را ندارد، با خشونت با مخالفان درونی برخورد کرده و تلاش می‌کند تا دایره خودی‌ها را بیش از پیش تنگ تر کند. برکناری لاریجانی، اعلام برکناری بخش مهمی از استانداران و مدیران اجرایی استان‌ها، دستگیری چهره‌هایی چون باقی، قابل و... نشان می‌دهد که تا چه حد جناح خامنه‌ای-سپاه می‌کوشد تا با یک‌دست کردن خود، هرگونه انتقاد و مخالفت را در نطفه خفه کند.

آیت‌الله خمینی در فضای بعد از انقلاب و با برخورداری از حمایت گسترده مردم، بالای سر جناح‌های درون جمهوری اسلامی، با امر و نهی حکومت می‌کرد. امروز اما پس از گذشت نزدیک به سه دهه از انقلاب، جانشین وی، خامنه‌ای، نه تنها فاقد هر گونه پشتوانه‌ای است، بلکه تنها با اتکاء به قدرت اسلحه و نیروی سرکوب و خفه کردن هر صدای مخالفی، در تلاش است که موقعیت خود را حفظ کند. بی‌دلیل نیست که خامنه‌ای در چند سال گذشته قدم به قدم به تقویت نقش نظامیان و مرتجع‌ترین جناح‌های حکومت در حول و حوش خود پرداخته است و با حمایت از احمدی نژاد، کاندیدای سپاه و نظامیان در انتخابات ریاست جمهوری و ادامه این حمایت در تمام دوران حکومت وی، نشان داده است که تنها راه حفظ حکومت اسلامی را در تکیه بر سرنیزه می‌بیند. دستگیری فعالین کارگری، جنبش برابری طلبی زنان، جنبش آزادیخواهی دانشجویان، فعالین حرکت‌های معلمین، روزنامه‌نگاران و غیره، تنها برای ایجاد رعب و وحشت و خفه کردن هر صدای مخالف است. هدف حکومت ایجاد جو ترس در جامعه و در میان فعالان جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است، تا از این طریق با بالا بردن هزینه شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مانع گسترش آنان شود و از دیگر سو، با حذف نهادها و فعالان از صحنه مبارزات اجتماعی و مدنی، راه رشد این جنبش‌ها را سد کند. افزون بر این‌ها، حکومت نگران آینده است. حذف فعالان جنبش‌های مدنی با این هدف نیز صورت می‌گیرد که در شرایط بحرانی، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی را از حضور فعالان و نهادهای مستقل محروم نماید. در یک کلام، خواست حکومت استیلای سکوت مرگ‌زا بر این سرزمین است.

در مقابل اما مردم کشور ما نه تنها زبان‌ها را در کام نکشیده‌اند، بلکه هر روز تلاش می‌کنند تا با امکانات هرچند محدود خود، فریاد مخالفت خود را به گوش همه برسانند. فریادی هر چه بلندتر و رساتر. مقاومت در برابر سیاست سرکوب و خفقان، رشد و گسترش اعتراضات در جنبش‌های اجتماعی مختلف و مقابله با مشکلاتی که کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، دانشگاهیان، معلمان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و روشنفکران جامعه ما با آنها دست به گریبانند، گسترده‌تر از آن است که جریان حاکم با توجه به شکاف در درون حکومت بتواند بر آنها غلبه کند. جنبش‌های مدنی و حرکت‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان با حضور خود در صحنه و با خواست تحقق مطالبات خویش، فضای جامعه را تغییر می‌دهند و جو رعب و وحشتی را که هدف و ضرورت ادامه سیاست سرکوب است، درهم می‌شکنند. مهم‌تر از همه، از درون این اعتراضات، تشکل‌ها و نهادهای مستقلی سربرمی‌آورند که صرف وجود آن‌ها نفی قدرت مطلق حکومت است.

وظیفه نیروهای سیاسی دفاع از حق اعتراض مردم به سرکوب و بی‌حقوقی حاکم بر کشور و تقویت مقاومت و مبارزه مردم در برابر یورش‌های حکومت به نهادهای مدنی، بازداشت فعالان جنبش‌های اجتماعی و بازداشت و محاکمه و زندانی کردن آنان به دلیل خواست‌های به‌حق‌شان است. □